

کودکان

== کتاب مقدس ==



مجموعه "کودکان کتاب مقدس"

درس پنجم : داستان پسرک و پنج نان و دو ماهی

گروه سنی: ۹-۱۲

سوال: آیا در همین سن هم می توانم کاری برای خدا انجام دهم؟
هدف: من در همین سن همکار خدا خوانده شده ام و می توانم با هر
آنچه دارم وسیله ای در دستان خدا باشم.
آیات کلیدی: یوحنا ۹:۶



سازمان ایلام ، کلیه حقوق محفوظ می باشد ۲۰۲۱ ©



سخنے با مربے:

موضوع همکاری در کودکان به معنی "به اشتراک گذاری" است. از کودکان در گروه سنی خردسالان نباید به شکل غیر واقعی انتظار داشته باشیم که بتواند به شکل کامل و بی نقص با دیگران همکاری کند، تنبیه هم در مسیر یادگیری به هیچ عنوان کمکی به او نمی‌کند بلکه بهتر است کودک را به این صورت راهنمایی و تشویق کنیم که به آن‌ها اعتماد کنیم و مسئولیت‌هایی را واگذار کنیم، تا در انجام امور روزانه مشارکت داشته باشند. این امر باعث می‌شود که روحیه‌ی همکاری و مسئولیت‌پذیری در کودکان تقویت شود و در سال‌های آینده در تعامل و انجام کارهای اجتماعی و مشارکت با دیگران موفق‌تر باشند و همچنین اعتماد به نفس و خودباوری نیز در آن‌ها رشد می‌کند.

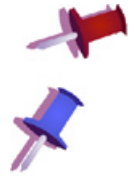
از سن سه سالگی به بعد، بسیاری از کودکان در مورد اشتراک گذاری به این درک خواهند رسید که دیگران نیز احساساتی دارند. این بدان معنی است که بهتر می‌توانند وسایل خود را با دیگران به اشتراک بگذارند و در قسمت‌هایی نوبت را رعایت کنند، اگرچه هنوز هم ممکن است به اشتراک گذاشتن اسباب‌بازی یا وسیله مورد علاقه‌شان برای آن‌ها سخت باشد، اما با تمرین کردن، این موضوع را بهتر و بیشتر یاد خواهند گرفت.

در این گروه سنی، نونهالان بسیار صبورتر هستند و تحمل بیشتری خواهد داشت. آن‌ها مشتاق انجام کار صحیح خواهند بود و می‌توانند روابط دوستانه پیچیده‌تری ایجاد کنند، که قطعاً به اشتراک گذاری کمک می‌کند.

در این کمک آموزشی، به طور ویژه به پسر کوچکی که در معجزه پنج نان و دو ماهی نقش داشت، اشاره شده است که تصمیم گرفت با نان و ماهی خود، در مسیر برکت دادن به دیگران با خداوند همکاری کند.

کودک با یادگیری این داستان می‌آموزد که هر کدام از ما، در هر سنی که باشیم، می‌توانیم با اشتراک گذاشتن چیزهایی که داریم، همکار خدا در مسیر کمک کردن به دیگران باشیم و اجازه دهیم خدا از ما در این مسیر استفاده کند.





آمادگی برای ورود به داستان:

ایده اول:

من کیستم؟

زمان: ۳۰ دقیقه

هدف: ما همه همکاران خدا هستیم.

توضیحات:

ساخت لگو کاغذی (عیسی، شاگرد عیسی، پسرک، سبد پنج نان و دو ماهی، بوته‌ها) (الگوها در انتهای درس قرار دارند)

از قبل طرح‌های آماده‌سازی لگو را برای بچه‌ها آماده کنید. طرح‌های آماده‌سازی لگوها را ترجیحاً روی مقوا پرینت بگیرید. هر نونهال باید با خود چسب و قیچی داشته باشد.

به بچه‌ها توضیح دهید این یک بازی است که براساس آن شخصیت‌ها را می‌سازیم و هر کدام از بچه‌ها باید حدس بزنند که این شخصیت‌ها مربوط به کدام داستان از کتاب مقدس هستند.

از بچه‌ها بخواهید از بین شماره‌های زیر یکی را انتخاب کنند (فقط شماره‌ها را برای بچه‌ها بخوانید و اسم شخصیت‌ها را به آن‌ها نگویند)

شماره ۱ (عیسی)

شماره ۲ (سبد نان و ماهی)

شماره ۳ (پسرک)

شماره ۴ (شاگرد عیسی)

شماره ۵ (بوته‌ها)

(لطفاً تصویر کامل شده را به بچه‌ها نشان ندهید تا هیجان درست کردن آن حفظ شود)

بعد از اینکه بچه‌ها شخصیت‌های خود را انتخاب کردند، به آن‌ها توضیح دهید نحوه درست کردن این لگوها برگرفته از داستان لگوها است که اسباب‌بازی آن برای تمامی گروه‌های سنی است و انیمیشن آن هم موجود است، اما امروز ما می‌خواهیم شخصیت‌های کتاب مقدس را با استفاده از لگوهای کاغذی بسازیم.

همه باهم مشغول درست کردن لگوی خود براساس الگوهای داده شده شوید و در حین درست کردن آن‌ها از بچه‌ها بپرسید که آیا می‌دانید این

شخصیت‌ها براساس کدام داستان از کتاب مقدس هستند؟ اجازه دهید همه بچه‌ها حدس بزنند که این شخصیت‌ها مربوط به کدام داستان از کتاب مقدس است.

(اگر تعداد بچه‌هایی که با آن‌ها کار می‌کنید کم هستند لطفاً باهم این شخصیت‌ها را درست کنید به طوری که هر کس یک شخصیت متفاوت را درست کند. اگر تعداد بچه‌های کلاس شما بیشتر از تعداد شخصیت‌ها هستند همه بچه‌ها می‌توانند هر شخصیتی را که دوست دارند درست کنند اما مطمئن باشید که همه بچه‌ها یک شخصیت متفاوت را حتماً درست می‌کنند) بعد از حدس بچه‌ها به قسمت "وارد شدن به دنیای کتاب مقدس" بروید.

ایده دوم:

پاس دادن توپ

زمان: ۱۰ دقیقه

هدف: بچه‌ها از طریق این بازی، اهمیت همکاری را در گروه می‌آموزند.

توضیحات:

بچه‌ها را به دو گروه تقسیم کنید و آن‌ها را به صورت دو ردیف پشت سر هم قرار دهید. در اختیار هر گروه یک توپ قرار دهید.

نفر اول توپ را از بالای سر به نفر پشت سر خود پاس می‌دهد. نفر دوم باید توپ را از زیر پایش به نفر سوم پشت سرش انتقال دهد تا توپ به نفر آخر برسد.

نفر آخر با سرعت به اول صف برود. این روند تا جایی ادامه می‌یابد که همه اعضای گروه یک بار به عنوان اولین نفر در صف قرار بگیرند. هر بار که توپ به زمین بی‌افتد، آن گروه بازی را باید از ابتدا شروع کنند.

برای هیجان بیشتر بازی می‌توانید کارهای مختلفی انجام دهید. به طور مثال، چشم بازیکنان را ببندید یا نوع پاس دادن توپ را تغییر دهید.

ایده سوم:

جعبه را خالی کن!

زمان: ۱۰ دقیقه

هدف: بچه‌ها از طریق این بازی، اهمیت همکاری در کار گروهی را می‌آموزند.

وسایل مورد نیاز: تعدادی توپ پلاستیکی، سبد و یا جعبه، کمر بند.

توضیحات:

یک سبد کم‌عمق و سبک آماده کنید و تعدادی توپ داخل آن بریزید. سبد را به کمر بند وصل کنید. بچه‌ها را به دو گروه تقسیم‌بندی کنید.

بازیکنان هر گروه باید به ترتیب کمر بند را ببندند و با تکان دادن کمر، توپ‌ها را به بیرون از سبد بیاندازند. در طول بازی استفاده از دست و خم شدن غیرمجاز است. هر بازیکن بعد از خالی کردن سبد باید توپ‌ها را داخل سبد قرار دهد و سبد را به هم‌گروهی خود بدهد تا او دوباره این کار را تکرار کند. گروهی که زودتر بازی را تمام کند، برنده است.

وارد شدن به دنیای کتاب مقدس:

داستان پسرک در معجزه پنج نان و دو ماهی

زمان: ۱۰-۱۵ دقیقه

هدف: به جای اینکه از زبان معلم داستان شنیده شود، ذهن بچه‌ها به چالش کشیده می‌شود تا خود داستانی را که شاید بارها شنیده‌اند را با یکدیگر در میان بگذارند.

توضیحات:

از بچه‌ها بپرسید آیا داستان معجزه پنج نان و دو ماهی را شنیده‌اند؟ از آن‌ها بخواهید داستان را به صورت خلاصه تعریف کنند. ترجیحاً اجازه دهید خود بچه‌ها داستان را تعریف کنند، شما نیز با استفاده از نکات زیر می‌توانید آن را تکمیل کنید.

خلاصه داستان معجزه پنج نان و دو ماهی:

یک روز عیسی بیرون از شهر به مکانی دور افتاده رفت تا در تنهایی دعا کند.

اما از آنجایی که مردم او را خیلی دوست داشتند

و همیشه می‌خواستند که به صحبت‌های عیسی گوش دهند، به دنبال او رفتند و کنار او نشستند. عیسی در مورد کتاب مقدس و خدا با مردم صحبت کرد، بیمارانی که آنجا بودند را شفا داد.

زمان زیادی گذشته بود که مردم با عیسی در آن بیابان بودند و همه مردم حسابی گرسنه شده بودند.

شاگردان عیسی به او گفتند زمان زیادی گذشته و مردم گرسنه‌اند، آن‌ها را به شهرهای اطراف بفرستیم تا برای خودشان غذا تهیه کنند.

عیسی به شاگردان خود گفت که احتیاجی نیست مردم جایی بروند، شما برای مردم غذا تهیه کنید. اما شاگردان گفتند تعداد مردم خیلی زیاد است و ما نمی‌توانیم برای همه‌ی آن‌ها غذا تهیه کنیم. عیسی به آن‌ها گفت بروند و از مردم بپرسند که چند نان دارند.

بعد از مدتی یکی از شاگردان آمد و گفت در اینجا پسر کوچکی است که فقط پنج نان و دو ماهی دارد. عیسی گفت او را پیش من بیاورید.

پسر کوچک پیش خودش فکر کرد که من می‌توانم به عیسی در خوراک دادن به مردم کمک کنم، پس تصمیم گرفت سبد خودش که پنج نان و دو ماهی در آن بود را به عیسی بدهد.

عیسی سبد او را گرفت و خدا را شکر کرد. سپس سبد نان و ماهی را به شاگردان داد تا بین مردم پخش کنند.

شاگردان غذا را بین مردم پخش کردند و همه مردم سیر شدند، چند سبد دیگر از نان و ماهی هم اضافه آمد.

پسر کوچک خیلی خوشحال بود که توانسته بود با عیسی در خوراک دادن به مردم همکاری کند. او متوجه شد که خدا می‌تواند از او برای کمک کردن به مردم استفاده کند و با خدا همکاری کند.

نتیجه‌گیری:

به بچه‌ها توضیح دهید همانطور که در داستان هم شنیدیم، خدا از پسر کوچک و آنچه داشت استفاده کرد تا جماعتی بزرگ را برکت دهد. امروز ما چه

کوچک و چه بزرگ، در هر سنی که باشیم می‌توانیم همکاران خداوند باشیم و با هر چه داریم، برای کمک کردن به دیگران در دستان خدا قرار بگیریم. خدا می‌تواند از ما و هر چه که داریم استفاده کند تا به دیگران کمک کنیم، فقط لازم است تصمیم بگیریم خود و هر چه داریم را تقدیم خدا کنیم. از بچه‌ها بخواهید لحظاتی چشمان خود را ببندند و آن‌ها را تشویق کنید تا هر کسی که مایل است در قلب خود دعا کند که خدا از او و آنچه دارد در مسیر کمک کردن به دیگران استفاده کند.

کارگاه اجرایی:

بچه‌ها را دو به دو گروه‌بندی کنید. به هر گروه یک مسئولیت بسپارید.

به عنوان مثال:

گروه یک: به همراه مربی خود خوراکی‌ها را بین بچه‌ها تقسیم کند.

گروه دو: با کمک مربی خود صندلی‌ها را مرتب کند.

گروه سه: به مربی خود در جمع کردن وسایل کمک کند.

و ...

به آن‌ها توضیح دهید کمک کردن ما به یکدیگر یک نوع همکاری کردن با خدا برای کمک به دیگران است

در انتها سرود زیر را برای بچه‌ها پخش کنید و جلسه خود را به اتمام برسانید.

سرود پرستشی "عشق عمیق"





~~~~~





